وصیت شهید مدافع حرم محمد اسدی

مشغول دنیا و خود نشویم

گردآوری: زهرا بیات

گزارش

نخستین روز ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۵(برابر با ۱۷ خرداد)، محمد اسدی ۳۱ ساله با نام‌های جهادی «غلام عباس» در عراق و «ابو زینب» در سوریه به شهدای جاویدالاثر پیوست. او متولد مشهد و دانش آموخته رشته حقوق بود و پیکرش پس از یک سال در مهر ۱۳۹۶ به کشور منتقل و در کوهستان پارک خورشید مشهد در کنار مزار شهید مدافع حرم جواد جهانی به خاک سپرده شد. اگرچه وصیت‌نامه‌ای از این مدافع حرم برجا نمانده، اما در فیلمی ۳۵ دقیقه‌ای که در ۱۵ مهر ۱۳۹۴ ضبط شده است، توصیه‌ها و حرف‌هایی دارد که شنیدنش و خواندنش خالی از لطف نیست. این گفت‌وگو هم اینک پیش‌روی شماست.

با اسکن کد روبه‌رو فیلم این گفت‌وگو را مشاهده کنید

روزه جهاد

شهید اسدی قبل از رفتن به سوریه چهار دوره با هزینه شخصی خود در جهاد عراق مشارکت کرده بود؛ او که همواره آرزو و رؤیای دفاع از عمه سادات را در دل و جان پرورانده بود سرانجام اجازه جهاد در سوریه را گرفت. قبل از اعزام برای اینکه بتواند برود و کسی سد راهش نشود ۴۰ روز روزه گرفت و شام تا سحر به نماز شب و عبادت پرداخت، همچنین ۳ شبانه‌روز در حرم منور امام رضا(ع) به عبادت پرداخت تا بدون مشکل به سوریه برسد. هم‌رزمان این شهید می‌گویند: محمد پس از اینکه به سوریه رسید به پاس اینکه به او اجازه دفاع از حریم ناموس حضرت علی(ع) داده شده است ۸۰روز دیگر روزه گرفت و سرانجام در اولین روز ماه مبارک رمضان با دهان روزه به فیض شهادت نائل آمد. در آن روز هم‌رزمان پاکستانی محمد اسدی از دوربین پیکر چند شهید را بین نیروهای خودی و دشمن مشاهده می‌کنند و به جانشین او(شهید اسدی) می‌گویند. در همان لحظه، اسدی سر می‌رسد و می‌گوید: «مادران این شهدا چشم به راه فرزندانشان هستند.» محمد می‌رود که پیکر شهدا را با چند نفر دیگر که داوطلب شده‌اند برگرداند، بی‌خبر از آنکه در نزدیکی پیکر شهدا کمین خواهند خورد و به شهادت می‌رسند.

زندگی

من هم زندگی را دوست دارم و دوست داشتم همسر و فرزندان زیادی داشته باشم، اما حال که جهاد شده و دشمن جنایتکار خدانشناس به سرکردگی آمریکا بر حریم زنان و کودکان بی‌گناه تجاوز کرده و حتی سر از بدنشان جدا می‌کنند و حریم اهل‌بیت(ع) را مورد تعرض قرار داده، به خدا قسم که آرام نمی‌نشینم و نمی‌گذارم به آسودگی به کار خبیثانه خود ادامه داده تا تمامی مسلمانان بی‌گناه را مورد ظلم و قتل قرار دهد و تا انتقام بی‌حرمتی به حرم بی‌بی، حضرت زینب(س) را بگیریم می‌جنگم و تا آخرین قطره خون برای رضای خداوند می‌جنگم و قتال می‌کنم.

... و اگر ما از بخشندگان باشیم، پس من هرکس را که حقی بر گردنش دارم می‌بخشم و ان‌شاءا... با تمام وجود سعی می‌کنم دیگر گناه نکنم تا به قیامت و روز جزای الهی مؤمن بشوم. شما را به عاقبتتان قسم، آخرت را جدی بگیرید و از نتیجه گناهان و سرکشی در مقابل احکام الهی و رسول خدا در این دنیا و آخرت بترسید به ویژه پدر و مادر عزیزتر از جانم، برادران، خواهران، خانواده من و تمامی دوستان.

دنیازدگی

مشغول دنیا و خود بودن است. همه‌اش فکر نکنیم که دنیازدگی فقط مال دنیا، ماشین، خانه و ... است حتی همین خانواده، زن و فرزند که ما مسئولیتی در قبال آن‌ها داریم همان‌ها هم به طوری که خودمان متوجه نمی‌شویم حب دنیا می‌شود (اموالکم و اولادکم فتنه) خدایی ناکرده توجیهی شود برای لحظه تصمیم‌گیری، اگر لحظه‌ای آمد که واجب عینی شد از همه می‌خواهم اول از همه خانواده خودم می‌خواهم و دعا می‌کنم که تمام این سدها و بهانه‌ها را کنار بگذارند و آن وظیفه خود را به نحو شایسته‌ای انجام دهند و عاقبت‌به‌خیر شوند.

مهم‌ترین مسئله در این روزگاری که این‌قدر گناه و فساد زیاد شده است؛ بازگشت به فطرت پاک الهی و تقوای الهی پیشه کردن است.

بصیرت

بحث مهم این دوره «بحث بصیرت است» با دید سالم نگاه کنیم. با دید باز، دیدی که مسائل را درست ببیند، حتی از پشت ظواهر، باطن را بتوانیم ببینیم و این دید هم حاصل نمی‌شود مگر اینکه انسان، بعد از گناه، دوری از گناه داشته باشد.

جهاد کثرت جمعیت

متأسفانه با بعضی کم‌کاری‌ها و غرض‌ورزی‌ها و فتنه‌های بیرونی و خارجی، جمعیت ما، به ویژه در ایران و عراق بحث تعداد کم فرزند و ۲ فرزندی راه افتاده است. برای مبارزه با آن باید جهاد شود، یعنی شما در هر کاری که بخواهید موفق شوید باید جهادی عمل کنید. جهادی عمل کردن خودش تعریف دارد. جهادی عمل کنیم یعنی چه؟ یعنی وقتی آن کار را اوجب واجبات بدانید یعنی مقدم‌تر بر هر کاری برای شماست و شما همه تلاشتان را بکنید و آن کار را انجام دهید، همان‌طور که برای جهاد شما اسلحه به دست می‌گیرید و جان خود را کف دست می‌گذارید آنجا هم باید همان‌طور باشد. مال خود، آبروی خود، جان خودتان، همه چیزتان، صبر خودتان، آرامش خودتان را وسط کار بگذارید.

تهاجم فرهنگی

در بحث تهاجم فرهنگی چطور دشمن از چیزی که ندارد و از باطل خود استفاده می‌برد. ما این همه دستمان پر هست بحث قرآن، پیامبر(ص)، اهل‌بیت(ع)، بحث عاشورایی آقا امام حسین (ع)، استشهادی، بحث منطقی، علمی، ایمانی، قلبی، عاطفی از همه مباحث دین ما کامل هست. می‌توان علیه دشمن عمل کرد و فتنه دشمن را خنثی کرد، متأسفانه بعضی از جوانان، هم سن و سال‌ها و خانواده‌ها و جامعه ما به سمت خوبی نمی‌رود.

پیام به دشمنان اسلام

کسانی که فکر می‌کنند با سر بریدن و قطعه قطعه کردن و نشان دادن قلب از سینه در آوردن و خوردن و گاز زدن و امثال این‌ها می‌توانند ما را بترسانند مثل اینکه این‌ها مکتب عاشورایی و فرزندان مکتب عاشورایی را نشناختند. این‌ها پیروان و عاشقان حضرت علی اکبر(ع) را نشناختند که فکر می‌کنند از تکه‌تکه کردن ما می‌ترسیم. ما افتخارمان این است مثل اهل‌بیت(ع) مثل مولا یمان، مثل آقامان، اگر خدا توفیق دهد به همان نحو از دنیا برویم.

آیات الهی

... خوب می‌دانم که زندگی همچنان جاری است و شادی‌ها و غم‌ها آمیخته در هم، با هزاران امید به آینده چون گذشته وجود دارد، اما بهتر می‌دانم که دنیا به فرموده مولای متقیان عروس هزار دامادی است که آدمی اگر غفلت کند، چون گرگان درنده می‌درد و در سیاه‌چال گمراهی و سراب دروغین هوس‌ها گرفتار می‌شود و به لطف و یاری خداوند و مدد رسول ا...(ص) و اهل‌بیتش(ع) نمی‌خواهم بگذارم که دلبستگی دنیایی مرا از غافله حق‌جویان دور سازد و از انجام تکلیف باز دارد و از ادای عهدی که با ابوالفضل العباس بن علی (ع) بسته‌ام، فاصله بگیرم. هر آینه عاشق‌تر می‌شوم انگار، وقتی حسین (ع) را در دل دارم، چون تشنه‌ای که از فرط عطش حیران مانده، من حیران حسینم، من حیران اصحاب حسینم و غلام ناچیز و روسیاه غلامان حسینم.

خدایا بر ما آسان بگیر و ما را ببخش و از پاکان و پرهیزکاران و توبه‌کنندگان و بندگان خاصت قرار بده.

خدایا چه چیز بهتر از شهادت برای توست که وسیله وصل بنده ناچیز نیازمندِ مهر تو به خدای عظیم و غنی و مهربان است. ای تنها خدای احد و یکتا، مرا در زمره مورد مغفرت یافتگان خود قرار ده و به مهر و رحمتت من ناچیز و گنهکار را بالا ببر و به مولا یمان حسین (ع) برسان که او نزد تو از مقرب‌ترین مقربان است و نزدیک‌ترین به رسولت، پیامبر مهربانی‌ها و امیرالمؤمنین علی(ع) و حضرت زهرا(س)، مادر شیعیان، است و هر که به او بپیوندد به آستان مهر تو و اولیا و اوصیای تو یکجا پیوسته است، چرا که حسین(ع) محبوب تو و پیغمبرت و اولیا و اوصیاست.

بحث مهم این دوره «بحث بصیرت است» با دید سالم نگاه کنیم. با دید باز، دیدی که مسائل را درست ببینند، حتی از پشت ظواهر، باطن را بتوانیم ببینیم

امیر بی‌ادعا در خدمت مادر

بازخوانی آخرین حضور سرلشکر صیادی شیرازی در بیمارستان ارتش مشهد

یادگاران

رامین رامین‌نژاد

در فروردین ۱۳۷۸ مادر شهید سپهبُد صیّاد شیرازی (جانشین وقت ستاد کلّ نیروهای مسلّح) به سبب عارضه قلبی در بیمارستان ۵۵۰ ارتش در مشهد بستری شد و ایشان برای عیادت از مادر، با لباس شخصی و بدون اطلاع قبلی به بیمارستان آمد. سپهبُد صیاد شیرازی، افسری بی‌تکلّف و خودساخته بود و حضور او خاطراتی فراموش‌نشدنی برای کارکنان بیمارستان به همراه داشت. سپهبُد صیّاد شیرازی در این بازدید، یکی از آخرین دست‌نوشته‌های خود را در دفتر یادبود بیمارستان باقی گذاشت و در صدر آن نوشت: «بسم ا...الرّحمن الرّحیم. مَن کانَ لِلّه، کانَ ا...لَهُ: هر که با خدا باشد، خدا با اوست. این نیز تقدیر زیبای الهی بود که سر و کار با بیمارستان ۵۵۰ پیدا کنم...». او متنی در تشکّر از زحمات ریاست و کارکنان بیمارستان نوشت و در کنار امضای خود چنین ثبت کرد: «و من ا... التّوفیق. سرباز کوچک اسلام، سرتیپ علی صیّاد شیرازی.»

فریبا اَملَشی، از پرستاران بخش قلب، خاطره خود از آن روز را چنین نقل کرد: «وقتی که من طبق برنامه هر روزه، به اتاق بیماران سرکشی می‌کردم. دیدم سرپرستار بیمارستان پشت در ایستاده است. وارد اتاق شدم و حال بیمار را پرسیدم. او با خوشرویی جواب داد. امیر صیاد شیرازی هم در گوشه اتاق ایستاده بود و من او را نمی‌شناختم. به او سلام کردم. با گشاده‌رویی پاسخ داد و از زحمات پرستاران تشکر کرد. من با تبسّم به مادر صیّاد شیرازی گفتم: «مادر جان! ماشاءا... چه پسر مؤدّب و رشیدی دارید. فرزند دیگری هم دارید؟» او پاسخ داد: «بله، یک پسر دیگر هم دارم که مهندس است.» گفتم: «او هم همین قدر مؤدّب و رشید هست؟» امیر صیّاد شیرازی و مادرش از این گفت‌وگو خندیدند. در همین موقع، رئیس بیمارستان سراسیمه وارد شد و پس از احوال‌پرسی با ایشان، خطاب به من گفت: «چرا ایستاده‌اید؟ ایشان باید به محل دیگری منتقل شوند. عجله کنید.» بعد با تعجّب دیدم که دکتر مولایی، خودش کپسول ده لیتری اکسیژن بیمار را برداشت و به من گفت: «باید بیمار را به بیرون بخش ببرید.» صیّاد شیرازی گفت: «چون این کپسول اکسیژن برای مادر من است، خودم آن را می‌برم.»

من از رفتار رئیس بیمارستان متوجّه شدم که این شخص باید از مقامات برجسته نظامی باشد. از این فکر، مضطرب شدم و با عجله تخت بیمار را تا مقابل در آمبولانس بردیم و سوار آمبولانس کردیم. رئیس بیمارستان مشغول توضیح درباره فعالیّت‌های بیمارستان و ساخت‌وسازهای جدید شد. از همکارانم درباره قضیّه سؤال کردم. آن‌ها گفتند که این شخص همان امیر صیّاد شیرازی است که کُردستان را از شرّ ضدّانقلاب و تجزیه‌طلبان نجات داده است. امیر صیّاد شیرازی قبل از خروج از بیمارستان، کنار آمبولانس آمد و می‌خواست با پرستاران بخش قلب و مسئولان بیمارستان که در آنجا تجمّع کرده بودند، خداحافظی کند. او در این زمان متوجّه بُهت و حیرت من شد و از اینکه می‌دید من دیگر آن شخص متبسّم و خندان قبلی نیستم، متعجّب بود. حتّی وقتی که با ما خداحافظی کرد، من نمی‌توانستم جوابی بدهم. ۲روز گذشت و من این اتّفاق را برای اطرافیانم تعریف می‌کردم. صبح شنبه خبر شهادت صیّاد شیرازی از تلویزیون پخش شد و در سراسر کشور پیچید: «امیر سرافراز ارتش اسلام، سپهبُد علی صیاد شیرازی به وسیله منافقین کوردل در مقابل خانه‌اش هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.» کارکنان بیمارستان از شنیدن این خبر، خیلی متأثّر شدند. من که هنوز خاطره ۲ روز پیش در ذهنم باقی بود، شوکّه شده بودم. با عجله به خانه تلفن زدم و به همسرم گفتم: «می‌دانی چه شده؟ می‌دانی چه اتّفاقی افتاده است؟»

همسرم گفت: «مگر چه شده؟ تو با این حال، نزدیک است سکته کنی! مگر چه اتّفاقی افتاده است؟»

با حالی مُنقلب گفتم: «صیاد شیرازی، همان که در بیمارستان مشهد دیده بودم، همان که کُردستان را نجات داده است، او امروز در تهران به شهادت رسید.»

شهدای هفته

عزیزاله پارسا
تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۰۱/۰۲
محل تولد: مشهد
تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۰۱/۲۲
نام گلزار: خواجه ربیع

حسین ثابت‌بیکیان
تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۰۱/۰۱
محل تولد: مشهد
تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۰۱/۲۱
نام گلزار: بهشت رضا(ع)

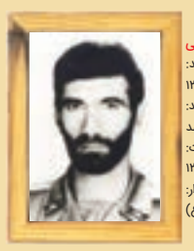

نجف نجاتی طرقی
تاریخ تولد: ۱۳۱۸/۰۴/۰۱
محل تولد: مشهد
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۱/۳۰
نام گلزار: بهشت رضا(ع)

داراب آخرتی
تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱۰/۰۱
محل تولد: مشهد
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۰۱
نام گلزار: بهشت رضا(ع)

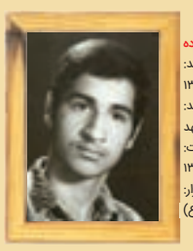

فرهاد قندهاری‌زاده
تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۰۱/۰۱
محل تولد: مشهد
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۰۲
نام گلزار: بهشت رضا(ع)

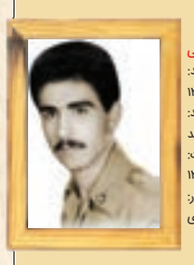

جعفر اذانی
تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۰۶/۲۲
محل تولد: مشهد
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۰۴
نام گلزار: حرم مطهر رضوی

۲ فروردین ۱۳۶۰

منطقه عملیات:
غرب- سرپل ذهاب
نوع یا نام عملیات:
بازی دراز ۱
یگان‌های شرکت‌کننده:
ارتش و دو گردان سپاه
نتیجه عملیات:
در این عملیات یگان‌های تکاور هدف‌های از پیش تعیین شده را تصرف کردند به همراه ۱۵۰۰ کشته و زخمی، ۴۵۸ اسیر، انهدام ۷ فروند هواپیما و ۵ فروند بالگرد و انهدام تیپ ۳ پیاده دشمن ولی در اثر پاتک‌های مکرر قله ۱۱۵۰ دوباره به تصرف دشمن درآمد.

۳ فروردین ۱۳۶۵

منطقه عملیات:
شمالغرب- لولان
نوع یا نام عملیات:
پدافند
یگان‌های شرکت‌کننده:
ارتش
نتیجه عملیات:
۱۲۰۰ کشته و زخمی، انهدام تعدادی از پایگاه‌های دشمن. در مقابل دشمن در تصرف ارتفاعات سرسول، گردشوان و لولان موفقیت نسبی به دست آورد.

۸ فروردین ۱۳۶۵

منطقه عملیات:
جنوب- کارخانه نمک فاو
نوع یا نام عملیات:
تکمیلی والفجر ۸
یگان‌های شرکت‌کننده:
سپاه
نتیجه عملیات:
تصرف کارخانه نمک و تحکیم خطوط پدافندی خودی.

۱۰ فروردین ۱۳۶۱

منطقه عملیات:
جنوب- جنوب غربی اهواز
نوع یا نام عملیات:
بیت‌المقدس (کربلای ۳)
یگان‌های شرکت‌کننده:
ارتش، هوانیروز و نیروی هوایی و سپاه
نتیجه عملیات:
آزادسازی ۵۴۰۰ کیلومتر از اراضی اشغالی، ترمیم خط مرزی از شلمچه تا شمال طلائیه، آزادسازی خرمشهر، هویزه، پادگان حمید و جاده مهم و تدارکاتی اهواز-خرمشهر، انهدام کامل ۲ لشگر عراق، ۱۶۰۰۰ کشته و زخمی و ۱۷۴۹۹ اسیر.

منبع: پرتال اطلاع‌رسانی سازمان حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس

خاکسپاری همسر شهید نواب صفوی در حرم رضوی

بانو نیره سادات احتشام رضوی، همسر شهید سید مجتبی نواب صفوی رهبر فقید گروه فداییان اسلام و برگزیده جایزه جهانی گوهرشاد بامداد دیروز در ۸۸ سالگی پس از تحمل یک دوره بیماری در مشهد درگذشت. مرحومه احتشام رضوی که برگزیده جایزه جهانی گوهرشاد آسمانی نیز شده بود، از نوجوانی در مسیر مبارزه بود. او متولد ۱۳۱۲ هجری شمسی فرزند سید علیرضا نواب احتشام رضوی، از رهبران انقلاب خراسان در سال ۱۳۱۴ در مسجد گوهر شاد (مشهور به قیام گوهرشاد) بود. او بعدها به همسری شهید سید مجتبی نواب صفوی بنیان‌گذار و رهبر جمعیت فدائیان اسلام درآمد. سیدمجتبی نواب صفوی رهبر جمعیت فداییان اسلام و سه تن از یارانش در پی ترور حسین علاء، از سوی رژیم پهلوی به اعدام محکوم و در ۲۷ دی ۱۳۳۴ در میدان تیر لشکر ۲ زرهی تهران به جوخه اعدام سپرده شد و پیکرش در قبرستان وادی‌السلام قم خاک‌سپاری شده است.

نیره سادات احتشام رضوی از شهید نواب صفوی صاحب سه دختر بود و پیکرش دیروز در حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد.

به روایت تقویم

وضعیت نظامی ایران در میانه جنگ

ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر

۱۱

محمدجواد اکبرپور بازرگانی
پژوهشگر تاریخ جنگ ایران و عراق

ارتش ایران قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)، متکی به سلاح و تجهیزات نظامی کشورهای غربی به ویژه آمریکا و انگلیس بود، به این دلیل ایران برای تهیه تجهیزات نظامی و لوازم یدکی آن در طول جنگ به خرید از کشورهای غربی نیاز داشت، اما از آنجایی که ایران از طرف آمریکا تحریم اقتصادی و نظامی شده بود، نمی‌توانست مستقیما از آمریکا سلاح بخرد. آمریکا حتی سلاح‌هایی را که قرارداد آن مربوط به قبل از انقلاب بود و پول آن نیز پرداخت شده بود به ایران نمی‌داد، بنابراین ایران مجبور بود سلاح‌های مورد نیاز خود را از بازار سیاه از سوی دلالان اسلحه خریداری کند یا کشورهایی مثل پاکستان که این تجهیزات را در اختیار داشتند با چندین برابر قیمت در اختیار ایران قرار می‌دادند.

آمریکا برای جلوگیری از فروش اسلحه به ایران با کشورهای دیگر نیز مذاکره می‌کرد و آن‌ها را تحت فشار قرار می‌داد که به ایران سلاح نفروشند. ریچارد مورفی، معاون وزارت خارجه آمریکا، گفت: قدرت نظامی ایران به دنبال حرکتی که تحت رهبری آمریکا برای جلوگیری از فروش اسلحه به تهران انجام شد، به‌شدت تحلیل رفت. آمریکا تاکنون برای جلوگیری از ارسال اسلحه به ایران با ۲۰ کشور تماس رسمی گرفته است. در سال ۱۹۸۷، ایران از ۶ کشور غربی فقط توانست سلاح‌هایی به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار بخرد در حالی که در سال ۱۹۸۴ ارزش سلاح‌هایی که ۱۵ کشور غربی به ایران تحویل داده‌اند، یک میلیارد دلار بود.

در میان کشورهای مختلف دنیا، چین و کره شمالی از مهم‌ترین منابع تأمین سلاح برای ایران در طول جنگ بودند. کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق، سوریه، لیبی و پاکستان نیز در طول جنگ بنا به مورد و البته نه به صورت در خور توجه به ایران سلاح فروختند.

البته لازم به ذکر است که هم به دلیل کمبود بودجه و ارز و هم به دلیل فشارهای غرب، ایران بخش اعظم مهمات و سلاح‌های مورد نیاز خود را از طریق صنایع دفاعی خود تهیه و تأمین می‌کرد.

توجیه سیاسی ورود به خاک عراق و امکان صلح پس از فتح خرمشهر

اگر صلح را مجموعه‌ای از آتش‌بس، نحوه و شرایط آن، عقب‌نشینی و نحوه و شرایط آن، تعیین متجاوز، تأمین خسارت‌های وارده و ... بدانیم، باید گفت که در آن زمان هیچ‌گونه پیشنهاد صلحی ارائه نشد و شورای امنیت و دیگران تنها آتش‌بس را توصیه می‌کردند. در آن زمان طرحی که متضمن صلح واقعی باشد و مثلاً شناسایی متجاوز و پرداخت غرامت را نیز شامل شود وجود نداشت و پیشنهادهای ارائه شده تنها در حد آتش‌بس و مذاکره طرفین بود که این امر با توجه به پشتیبانی بین‌المللی از عراق هیچ‌گاه نمی‌توانست شرایط ایران را برای یک صلح شرافتمندانه تحقق بخشد. به این ترتیب ایران دلایل منطقی و عقلانی برای ادامه جنگ داشت. این دلایل عبارت بودند از:

۱ـ شرایط ایران برای صلح، شناسایی و تنبیه متجاوز و پرداخت غرامت از سوی عراق بود که این شرایط را رژیم عراق و سازمان‌های بین‌المللی قبول نمی‌کردند.

۲ـ مرزهای ایران تأمین نداشت. نقاطی در شلمچه، طلائیه و طول مرز از فکه تا قصرشیرین در اشغال عراق بود. شهرهای سومار، نفت‌شهر و مهران در عمل در اشغال دشمن بود. امکان آزادسازی این نقاط از راه مذاکره غیرمعقول به نظر می‌رسید و راهی جز ادامه جنگ وجود نداشت.

۳ـ در حالی که نیروهای خودی در دور پیروزی قرار داشتند، توقف در جنگ و چانه‌زنی در پشت میز مذاکره برای پس گرفتن مناطق اشغالی، صحیح نبود.

۴ـ شهرهای آزاد شده همچون خرمشهر به علت حضور دشمن در شلمچه همچنان با تهدید مواجه بود.

۵ـ توانایی رزمی ارتش عراق اگر چه در طول جنگ آسیب دیده بود، ولی نه تنها کاملا ترمیم شده، بلکه افزایش هم یافته بود.

۶ـ تنها چیزی که ارتش عراق از دست داده بود، روحیه بود که با توجه به روحیه فرماندهی آن (شخص صدام) این مسئله نیز پس از مدتی ترمیم می‌شد.

۷ـ در حالی که نیروهای جمهوری اسلامی در دور پیروزی بودند آیا توقف در اوج قدرت و دادن فرصت دوباره به عراق، نمی‌توانست مورد شماتت قرار گیرد؟ اگر آن روز جنگ متوقف می‌شد و تجربه‌ای چون مذاکرات سوریه و اسرائیل بر سر ارتفاعات جولان، فراروی ما قرار می‌گرفت و ما ناچار می‌شدیم بر سر ارتفاعات، پشت میز مذاکره با عراق چانه‌زنی کنیم، آیا امروز جامعه، مسئولان وقت را شماتت نمی‌کرد؟ با این استدلال که «شما توان کافی برای رفع کامل تجاوز و بازپس‌گیری حقوق خود را داشتید، چرا در بهترین موقعیت نظامی، از تعقیب دست کشیدید؟»

۸ـ عراق در نظر داشت با برگزاری اجلاس سران جنبش غیرمتعهد در بغداد و کسب ریاست دوره‌ای این جنبش برای تحقق خواسته‌های خود، به ایران فشار بیاورد، ولی ایران با حمله به داخل خاک عراق در عملیات رمضان، این امتیاز مهم و حیاتی را از عراق گرفت.